

خجسته باد روز اول ماه مه،

روز همبستگی رزمی کارگران سراسر جهان!

اعلامیه، کمیته، مرکزی حزب توده، ایران

به مناسبت اول ماه مه

اسارت "موازین شرعی" ساخته و پرداخته مشتی روحانی حاکم است.

ارقام رسمی تعداد بیکاران را ۲ میلیون تن اعلام کرده است. این رقم با تعداد واقعی بیکاران که بیش از ۵ میلیون نفر تخمین زده می شود، تضاد آشکار دارد. عدم توجه به آموزش های فنی و حرفه ای هزاران جوان را به بیکاری کشانده است. این جوانان که باوجود داشتن مدارک تحصیلی، در مراکز کارهایی با پاسخ منفی مدیران تولید مواجه می گردند، آگاهانه به سوی فساد سوق داده می شوند. سیاست ضد ملی استاز حقایق مربوط به وضع اسفناک اجتماعی حاکم برکشور به منظور رنگ و روغن کاری چهره کره استبداد مذهبی قرون وسطایی همچنان ادامه دارد.

عدم رعایت شرایط ایمنی در کارگاهها، خطر بزرگ دیگر تهدید جان کارگران است. به موجب آمار دولتی، طی یک سال حدود ۲ هزار حادثه ناشی از کار وجود داشته که تعداد ۱۰۰۷ حادثه منجر به مرگ گردیده است.

عدم رعایت بهداشت کار و نیز نبود امکانات درمانی عامل دیگر تهدید سلامتی و زندگی کارگران

ادامه در ص ۷

امسال، کارگران و زحمتکشان کشور روز رزم و همبستگی کارگران جهان را در شرایط بسیار سخت و دشوار و بفرنج مانند همیشه درمحیط ترور و اختناق برگزار می کنند.

پس از گذشت ۱۲ سال از انقلابی واقعا خلقی و فراگیر، که می توانست با گشودن راه پیشرفت اجتماعی، در خدمت مردم و در درجه اول زحمتکشان شهر و روستا قرار گیرد، ولی به علت خیانت رژیم تحمیلی "ولایت فقیه" با شکست روبرو گردید. مردم کشور ما با مشکلات عظیم روبروی هستند.

کاهش بی سابقه تولید ناخالص داخلی، سیرسعودی قیمت مایحتاج عمومی، تورم فزاینده و سرسام آور، سطح پائین حقوق ها و دستمزدها، افزایش سریع اجاره بها، بیکاری مزمن، فقدان بهداشت و درمان ضرور برای حفظ سلامتی زحمتکشان و خانواده های آنان و دهها درد بی درمان، زندگی را برای میلیونها ایرانی تنگ و تنگ تر کرده و می کند.

پس از ۱۰ سال وعد و وعید، قانون کاری را به تصویب رسانده اند، که حتی در صورت اجرا، گری از معضلات بیشمار زحمتکشان را نخواهد گشود. هدف قانون جدید کارگری نگاهداشتن کارگران در چمبره

نامه مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۴۸، دوره هشتم،

سال هفتم، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۰

بیان صریح نظرات و انعطاف پذیری در سیاست

برخورد واقع بینانه و خلاق به رویدادها و نتیجه گیری صحیح و به دور از هرگونه چپ روی و سکتاریسم - این است ارزش گرانبهایی که از قربانیان حزب، برای ما - ادامه دهندگان راه آنان باقی مانده است. بیان صریح نظرات، دیدن اشتباهات و اعتراف به آنها و نیز کوشش در راه اصلاح آنها، انعطاف پذیری در سیاست، خودداری از دکماتیسم و چپ روی نشانه بارز قدرت و اعتماد به خود است.

حزب توده ایران به زودی پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری خود را برگزار خواهد کرد. در این مدت حزب، باوجود نارسایی ها و اشتباهات و در مواردی اشتباهات چشمگیر، دستاوردهای زیادی هم داشته است. کمتر انسان واقع بینی را می توان سراغ داشت که خدمات حزب توده ای ما به رشد فرهنگ و ادبیات سیاسی در جامعه و از همه مهمتر خدمات ارزنده به کارگران و همه زحمتکشان جامعه را منکر شود. ما دراینجا در فکر شمارش آنها و تشریح جداگانه هر یک نیستیم. هدف فقط یادآوری به منظور طرح مسائل نوین است.

دانشمندی که تاریخ حزب را بررسی کرده اند، روی یک موضوع

ادامه در ص ۲

استقرار حکومت های دمکراتیک در منطقه یک ضرورت تاریخی

گرسنگان اند. این بار شوارتسکف و چینی توانستند یا نخواستند با سانسور از مسابقه کمپانی های تلویزیونی آمریکا برسر جلب بیننده به قصد دستیابی به سود بیشتر ممانعت به عمل آورند.

آنچه در کوه های مرزی ایران و ترکیه می گذرد، جنایتی آشکار است که فقط گوشه ای از محصول "پیروزی تاریخی" آمریکا به شمار می رود. در حالی که فاجعه ساکنان کرد عراق،

ادامه در ص ۴

فاجعه مردم کرد عراق، در مرکز توجه افکار عمومی جهان است. گرسنگی و بیماری و سرما، زنان و کودکان و کهن سالان سرگردان در کوههای مرزی ایران و ترکیه را از پهای در می آورد. اخبار، حاکی از مرگ هزاران انسان و به ویژه کودکان است. صفحات تلویزیون ها انباشته از صحنه های دردناک مراسم دفن کودکان، جدال برسر تکه نان و یا بسته مواد غذایی از سوئی و سربازان مسلح ترک از سوی دیگر هستند که با قنداق مسلسل های دستی و چوب درصدد راندن

"نظم نوین" در منطقه یعنی آزادی، دمکراسی، صلح، تأمین امنیت خلقها و عدالت اجتماعی!

بیان صریح نظرات و ...

تکیه می کنند، حزب همیشه کوشیده تا سیاست خود را برپایه شرایط ویژه جامعه تنظیم کند و تا آنجا که ممکن بوده از چه روی خودداری کرده است. انتخاب این راه آسان نبوده و نیست. حزب یک ارگانیم زنده، متشکل از افراد با نظرات گوناگون است. طبیعی و منطقی است که در مواردی چه روی و یا راست روی در تعیین خط مشی سیاسی حزب موثر بوده است. اینکه بعضی این یا آن عضو و یا چند نفری از آنها می خواهند تا حزب در تدوین مشی سیاسی، آن هم امروز که سردرگمی در نهضت کمونیستی و کارگری حکمفرماست و اکثر احزاب در برنامه ها و اساسنامه های خود تجدید نظر می کنند، از این یا آن حزب کمونیست تقلید و نسخه برداری کند تا به نظر آنها، سیمای طبقاتی خود را از دست ندهد، تاریخ حزب را به درستی نیاموخته اند. مبارزه ما، به عنوان ادامه دهنده مبارزه سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران تاریخ بسیار طولانی دارد. در طی این مدت، حزب همیشه در راه منافع مردم ایران پیکار کرده است. نبرد ما در شرایط بسیار پنهان و متغیر جریان داشته و همراه با پیروزی ها و شکست ها بوده است. هزاران زن و مرد، پیروچوان از آرمان های حزب به قیمت از دست دادن آزادی شخصی و در اکثر موارد زندگی خویش دفاع کرده اند. تقریباً اکثر مردم ما، خاطره قربانیان حزب ما و نیز دیگر سازمان های چه و دمکراتیک را گرامی می دارند. آنها قربانی شده اند تا راه برای زندگی آزاد در کشور استبدادزده ما گشوده شود.

حزب توده ایران از بدو تاسیس، شرایط جامعه را مد نظر قرار داده است. وقتی فاشیسم می خواست بر جهان فرمانروایی کند و نظرات فاشیستی می رفت تا روشنفکران جامعه ما را از راه به در کند، حزب توده ایران به عنوان نخستین سازمان سیاسی ضد فاشیستی ایران گام در عرصه نبرد ضد فاشیستی گذارد. آیا دادن چنین خصلتی به حزب تصادفی بود؟ البته نه. حزبی که بتواند به عمده ترین مسئله سیاسی زمان پاسخ گوید و همه نیروی خود را روی حل آن متمرکز سازد، نمی تواند حزب فعال سیاسی مدافع منافع خلق و مصالح عالی کشور باشد. وقتی ما می گوئیم حزب توده ای ما در سراسر زندگی بسیار سخت و دشوار و طی تاریخ آغشته به خون همیشه کوشیده تا از آرزوهای عمیق خلق دفاع کند، منظورمان حفظ خصلت موردنظر است.

حزب توده ایران، طی نیم قرن مبارزه خستگی ناپذیر در راه انقلاب دمکراتیک ملی به منظور استقرار یک حکومت دمکراتیک در جامعه، عملاً در راه انطباق سیاست خود با شرایط جامعه ایران و ساخت جامعه و تناسب نیروهای محرکه آن، گام برداشته است. از آنجا

که بخش عمده فعالیت حزبی مخفی بوده و اعضای حزب و رهبری همیشه زیرضربه قرار داشته اند، حتی در اجرای سیاست صحیح نیز اشتباهاتی را هم مرتکب شده است.

برنامه حزب توده ایران تدوین شده در سال ۱۳۵۴، پس از بررسی عمیق وضع مشخص جامعه ایران، به یک نتیجه محتمل رسید: انقلاب در ایران اجتناب ناپذیر است. چگونه انقلابی؟ انقلاب ملی و دمکراتیک. آری، ما به عنوان مارکسیست، سخن از انقلاب سوسیالیستی در جامعه به میان نیاوردیم. برای چه؟ برای اینکه شرایط جامعه اجازه چنین تصویری را نمی داد. سیاست اتخاذشده در آن ایام زاینده وضع مشخص جامعه ایران بود. آیا می شد در آن ایام مثلاً، از سیاست حزب کمونیست فرانسه و یا حزب کمونیست اتریش و... "الهام" گرفت و راهی را که آنها می رفتند برای جامعه ایران هم تجویز کرد؟ تصور نمی رود که نیازی به بحث در این زمینه باشد.

در حال حاضر ما علیه رژیم "ولایت قیه" مبارزه می کنیم. ما، شعار طرد "رژیم ولایت قیه" را برای آن تصویب کرده ایم تا بتوان نیروهای دمکراتیک هرچه بیشتری را پیرامون شعار اصلی آزادی، دمکراسی، و عدالت اجتماعی گرد آوریم. به اعتقاد ما دستیابی به یک جامعه دمکراتیک، بدون شرکت همه دمکرات های دارنده عقاید گوناگون غیرممکن است. تاکنون عکس این نظر به اثبات نرسیده تا زمینه تغییر اعتقاد ما باشد. اگر این نظر صحیح است، در آن صورت باید سیاست حزب نه برپایه دفع نیروها، بلکه جذب آنها تنظیم گردد. از این نظر حزب در پلنوم فروردین ماه، پلورالیسم سیاسی و اقتصادی را زیربنای برنامه خود قرار داد تا در طرح برنامه جدید مورد توجه قرار گیرد.

مفهوم این سیاست حزب بسیار وسیع و گسترده است، مبارزه در راه تنوع مالکیت و یا سه مالکیتی، نفی هرگونه انحصارگری، پیکار در راه عدالت اجتماعی در زمینه های تولید و توزیع، مبارزه در راه تامین اجتماعی کارگران و همه زحمتکشان و نیز در راه اصلاحات ارضی متناسب با ساختار جامعه روستایی ایران برای تامین خودکفایی، نبرد علیه تحدید و تحریف و انحطاط دمکراسی سیاسی و تابع ساختن مصالح ملی به منافع خارجی.

ما در راه آلترناتیو دمکراتیک مبارزه می کنیم. و این به معنای مبارزه در راه وحدت همه نیروهای خواهان آزادی و دمکراسی است. چنین مبارزه ای مستلزم سازش میان نیروهاست. البته چنین سازشی باید دوجانبه و چند جانبه باشد. در غیراینصورت نزدیکی نیروها و پیشروی آنها به سوی یکدیگر غیرممکن است. در این مورد افزون برسازش اصولی، باور متقابل اهمیت خاصی پیدا می کند. باید کمونیسم ستیزی را در هر شکل آن کنار گذارد. از بدو انتشار مانیفست توسط مارکس و انگلس، کمونیسم ستیزی به عنوان وحشت از اندیشه کمونیستی آغاز شده و امروز، پس از شکست مدل سوسیالیستی موجود در برخی از

کشورهای اروپای شرقی، کمونیسم ستیزی اوج تازه ای گرفته است. کار به جایی کشیده که سران رژیم عمیقاً ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران هم از شکست کمونیسم و پیروزی اسلام قهاضی به عنوان یگانه ایدئولوژی مترقی سخن می گویند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران نظرات خود را درباره رویدادهای کشورهای سابق سوسیالیستی اروپای شرقی در اسناد پلنوم فروردین ماه ارائه کرده است. پهنجی این رویدادها برای همه تحلیل گران واقعی روشن است. این رویدادها نیاز به هرچه ژرف تر کردن پژوهش های آغاز شده در مقیاس جهانی دارد. عوامل عینی و ذهنی و نظری زیادی را باید جداگانه تحلیل و سپس به هم پیوند داد تا بتوان به نتیجه نسبتاً مطلوبی دست یافت.

ما با نظراتی از قبیل تخیلی بودن آرمان های سوسیالیستی و ساختمان جامعه سوسیالیستی که برخی ها می خواهند به مثابه "اشتباه تاریخی" عرضه کنند، کاملاً مخالفیم. علت را باید در مدل ارائه شده سوسیالیسم، در دورشدن از قانونمندی های واقعی جامعه سوسیالیستی، در تمویض حاکمیت واقعی خلق (خصلت اصلی سوسیالیسم) با متمرکز ساختن حاکمیت سیاسی در دست دیرکل و هیئت سیاسی که جز تمایل به حاکمیت فردی و تحویل دمکراسی و جدایی حاکمیت از توده های میلیونی مردم نمی توانست حاصلی داشته باشد، جستجو کرد. تحدید خشن دمکراسی سیاسی همراه با تشدید نقش سرکوبگر دولت و نادیده گرفتن قوانین و موازین حقوقی، به هیچ وجه با معنا و مفهوم و مضمون سوسیالیسم پیوندی ندارد. در مورد شکست "سوسیالیسم واقعا موجود" باید در وهله نخست، تمرکز بیش از حد حاکمیت اقتصادی در دست دولت از طریق دولتی کردن بی حد و حصر و از بین بردن تنوع مالکیت به مثابه انگیزه تولید و فرمانروایی شیوه های بوروکراتیک و فرماندهی - اداری اقتصاد ملی را مورد توجه قرار داد. البته برخورد دمگماتیک و در مواردی حتی تحریف مارکسیسم - لنینیسم را از جانب نظریه پردازان کشورهای سوسیالیستی نباید از نظر دور داشت.

برسرکار آمدن نیروهای سیاسی ضد سوسیالیستی در برخی از کشورهای اروپای شرقی و "گذار" به سرمایه داری در آنها، شکست بزرگی برای کمونیست هاست. اما، این به هیچ وجه به معنای شکست کمونیسم و اندیشه های انسانی آن نبوده و نیست. بشریت قرنهایست در راه استقرار عدالت اجتماعی واقعی مبارزه می کند. وجود نابرابری های اقتصادی در جامعه امروزی بشری از دید ما پنهان نیست. آیا قوانین حاکم برجامعه بشری در پایان سده بیستم که در نتیجه آن میلیاردها انسان در گرسنگی و فقر و بیماری و بی خانمانی بسر می برند و ثروت در اختیار عده معدودی متمرکز شده، می تواند مورد پذیرش میلیاردها انسان محروم باشد؟ مبارزه برای یک زندگی انسانی در سطح جهانی ادامه

گوشه ای از زندگی کارگران

زندگی کارگران کارگاههای صنعتی بسیار مشکل است. ما سعی می کنیم با استفاده از نوشته روزنامه مجاز "کارو کارگر" شرایط غیرقابل تحمل کار و زندگی کارگران کارخانجات لوله سازی خوزستان را تصویر کنیم.

از جمله مشکلات کارگران می داند. به گفته وی، "تعاونی های مصرف کارگری به دلیل عدم توجه مسئولین، بخصوص اتحادیه امکان"، کارائی خوبی ندارد و اجناسی که به کارگران می دهند، با قیمت آنها با بازار آزاد یکی است و با اینکه کالاهای خوبی نیستند".

کارگر بخش ذوب، نداشتن مسکن را عمده ترین مشکل کارگران می داند. او می گوید، "آنگون کارگران بیشتر حقوق خود را بابت کرایه خانه می پردازند و زندگی کردن برای آنها بسیار مشکل است".

نه تنها وضع درمانی طاقت فرساست، بلکه وضع غذایی کارگران هم غیربهداشتی و نامنظم است.

محمد داغله، کارگر ماسه سازی که دارای ۴ سال سابقه کار است و ۷۵۰۰ تومان حقوق می گیرد، می گوید: "بابت بیمه و مالیات ۹۰۰ تومان در ماه از حقوق من کسر می کنند که با مخارج سنگین موجود در جامعه، این حقوق تکافوی یک کارگر متاهل را نمی دهد".

عباس طینه زاده، سرشیفت لوله ریزی می گوید: "ماهانه مبلغی در حدود ۲۴۰۰ تومان بابت حق بیمه و مالیات می پردازم. اما در ارتباط با سرویس دهی سازمان تامین اجتماعی باید عرض کنم که این سرویس دهی صرفاً در حد درمان های سطحی می باشد و بطور مثال اگر فردی نیاز به عمل جراحی داشته باشد، نمی تواند به سرعت از امکانات تامین اجتماعی در این مورد استفاده کند و از طرف دیگر در ارتباط با وام مسکن نیز ما از وام بانک مسکن استفاده کردیم که بهره این وام بیش از کل وام است و مجبور به پرداخت آن هستیم".

چنین است قسط گوشه ای از وضع کار و زندگی زحمتکشان یک کارگاه. می گویند: "مشت نموده خروار است. در همه موسسات صنعتی، وضع کار زندگی کارگران با اندکی تغییر مشابه کارگران کارخانجات لوله سازی خوزستان است".



کارگر قسمت لوله ریزی:

بهره وام مسکن بیشتر از کل وام است...

در این کارخانجات کارگران با مواد مذاب سروکار دارند و به گفته سرپرست کوره های ذوب، اغلب دچار سوختگی هایی می شوند. مسئول کارخانه، از وسایل ایمنی قسط کنش و کلاه و لباس کار عادی در اختیار کارگران گذاشته است. در این بخش، از امکانات جلوگیری از بروز آتش سوزی و کمک های اولیه خبری نیست. عمده ترین مشکل کارگران بخش لوله ریزی در زمینه ایمنی، کمبود دستکش نسوز، ماسک دهنی و تهویه هواست. بویژه زمانی که هوا شرعی باشد، تمام دود قراضه ها (مواد اولیه کارخانجات) به داخل سالن نفوذ می کند و نفس کشیدن برای کارگران مشکل می شود. آیا می توان به این وضع فلاکتناک خانه داد؟ البته با کارگزاران تهویه های بزرگ می توان محیط کار کارگران را اندکی بهبود بخشید.

وضع کارگران از لحاظ درمانی با وجود اینکه ماهیانه ۶۰۰ تا ۷۰۰ تومان از بابت بیمه های اجتماعی می پردازند، اسفناک است. خود کارگران در این باره می گویند:

دقتی که نمی توانند در مواقع لزوم از دقتی که برای درمان خود و خانواده استفاده کنند.

مشکل عمده کمبود حمام و آب تصفیه شده است. جراثیم ها شیشه ندارند و درب کوره ها را نیز برداشته اند که خطرات زیادی برای کارگران دارند. لباس کار در این گونه کارخانه ها باید نسوز باشد، اما در این کارخانجات لباس عادی به کارگران می دهند.

کارگر دیگری، "کمبود وسایل ایمنی، کمی حقوق و نبود آب آشامیدنی تصفیه شده را

جامه خود بهره گیرم. آیا این عمل جز دفاع از ماهیت طبقاتی، اهداف اصلی و ایدئولوژی حزب است؟ پاسخ ما منفی است. حزب باید نبض جامعه را حس کند و در عمل علاقه بی حد و مرز خود به مردم و میهن را نشان دهد. هزاران تن از شهدای حزب این راه را پیموده اند. برخورد واقع بینانه و خلاق به رویدادها و نتیجه گیری صحیح و به دور از هرگونه چپ روی و سکتاریسم - این است ارثیه گرانبایی که از قربانیان حزب، برای ما - ادامه دهندگان راه آنان باقی مانده است. بیان صریح نظرات، دیدن اشتباهات و اعتراف به آنها و نیز کوشش در راه اصلاح آنها، انعطاف پذیری در سیاست، خودداری از دکماتیسم و چپ روی نشانه بارز قدرت و اعتماد به خود است.

حزب توده ایران از نخستین روز تاسیس، پیکار در راه سعادت مردم را، سرلوحه برنامه خود قرار داده است. درک این ضرورت تاریخی نباید چندان مشکل باشد. برخلاف تبلیغ مخالفان، حزب توده ای ما هیچگاه در راه پرولیسیم و رفرمیسم به معنای منفی آن و یا دوری از اندیشه های خلاق مارکسیسم - لنینیسم گام برنداشته است. منبع الهام ما همیشه عبارت بوده از مبارزه در راه امید و آرزوهای عمیق مردم و اهداف دمکراتیک. مطالعه متون برنامه های حزب توده ایران، بطور عمده، بیانگر تلاش حزب در پاسخ منطقی و مقبول به تغییر پدیده ها، اوضاع و احوال جامعه بوده است. ما کوشیده ایم از مارکسیسم - لنینیسم نه به مثابه آیه آسمانی، بلکه رهنمود علمی به طرز خلاق در شرایط

دارد. دورنمای ایجاد تحول در جوامع بشری به سود اکثریت محروم، دهها میلیون انسان زحمتکش را به مبارزه جلب کرده و می کند. کشور ما نیز در این میان مستثنی نیست. توده ای ها همیشه دوشادوش کارگران و مجموعه زحمتکشان در این مبارزه شرکت فعال داشته اند.

حزب توده ایران در راه سعادت انسان های محروم جامعه مبارزه می کند. چارچوب محرومیت در جامعه ما بسیار گسترده تر از کشورهای غربی است. در ایران اکثریت مطلق اهالی وابسته به طبقات و گروه های اجتماعی مختلف در زمره محرومان قرار دارند. همه، از کارگر گرفته تا دهقان و کسبه و پیشه ور از یک زندگی عادی محرومند. به همین سبب

استقرار حکومت های ...

جهانیان را به سختی تکان داده، کاخ سفید سخت سرگرم تدارک جشن بزرگ پیروزی در روز دهم ژوئن است. کدام پیروزی؟ در جنگ خلیج فارس ۲۹ کشور و از آن جمله قدرت های نظامی بزرگ مانند آمریکا و فرانسه و انگلستان شرکت داشته اند. باتوجه به برتری عظیم تکنولوژی نظامی آمریکا، کمتر کسی به شکست فوری و بی دردسر ارتش صدام حسین شک داشت.

هدف از جنگ که شورای امنیت به آن صحنه گذارد، پایان دادن به اشغال کویت از جانب ارتش عراق بود. این یک پدیده کاملاً نوین در تاریخ سازمان ملل متحد، اگر در مورد همه تجاوزگران و از آنجمله خود ایالات متحده به عنوان بزرگترین تجاوزگر به حقوق انسان ها، به مورد اجرا گذارده شود، می تواند قابل پذیرش باشد. اما، همه می دانند که چنان نبوده و چنین نیز نخواهد بود. تدارک جشن باشکوه در نیویورک - مقر سازمان ملل متحد - هدفش نمایش قدرت ایالات متحده در برابر جهانیان است. می توان گفت عصر جدیدی در مناسبات دولتها آغاز می شود و دستاوردهای اولیه تواندیشی می رود تا جای خود را به سیادت امپریالیسم آمریکا بدهد. تقویت هرچه بیشتر تر یک قطبی بودن جهان از جانب مشاوران اصلی بوش تصادفی نیست.

به باور ما مسایل بعد از جنگ در منطقه خلیج فارس را هم باید از این دید بررسی کرد. کویت را آزاد کردند، اما مضللات جدید دیگری به گره کور منطقه اضافه شد که فرار صدها هزار گرد از زادبوم شان قسط یکی از آنهاست.

پیروزی ارتش چند ملیتی به فرماندهی آمریکا برای مردم عراق بسیار گران تمام شده است. می گویند قربانیان جنگ خلیج فارس در عراق به ۱۸۰ هزار تن می رسد و اکثر آنها هم غیرنظامی بودند. هیئت سازمان ملل متحد که از دهم تا هفدهم ماه مارس در بغداد بود، منظره بسیار غم انگیزی از وضع فلاکتبار مردم عراق اعم از سنی و شیعه و یاکرد و غیره ترسیم می کند. نبود آب آشامیدنی، برق، کمبود مواد غذایی و دارو و درمان و گرانی سرسام آور در بغداد و دیگر شهرها زندگی هزاران انسان بی گناه را تهدید می کند. بیماری های واگیردار با سرعت گسترش می یابد.

ژنرال شوارتسکف که به دستور مشاوران بوش و از جمله چینی اخبار مربوط به بمباران های هوایی را سانسور می کرد، به مردم عراق وعده داد که "فرشته نجات" آمریکا، قدرت نظامی عراق را نابود ساخته و خاطر مردم عراق از این بابت می تواند آسوده باشد. متعاقب این "مژده" آقای بوش، از مردم عراق خواست تا با یک حرکت، دیکتاتور عراق را مات کنند و در نظر داشته باشند که ۳۰ درصد اراضی عراق تحت اشغال ارتش آمریکا است. مردم عراق در



بالاخره ژنرال نورمان شوارتسکف، فرزند مستشار آمریکا در ایران، پیروز شد

مطبوعاتی پیشنهاد مربوط به ایجاد منطقه ویژه اسکان فراریان گرد در شمال عراق را زیر حمایت سربازان آمریکایی و فرانسوی و انگلیسی پیش کشید و بلافاصله نیز آن را به مورد اجرا گذارد. ما نمی خواهیم در اینجا موضوع مهم اتخاذ چنین تصمیمی را بدون مشورت با شورای امنیت مورد بررسی قرار دهیم. چنین به نظر می رسد، واشنگتن پس از "پیروزی" بر عراق، بیش از پیش در نقش پلیس بین المللی عرض اندام می کند و این محصول ناگزیر تئوری نوین یک قطبی بودن جهان است.

اقدام اخیر بوش، ناقص استقلال عراق است. در این مورد تردیدی نمی تواند باشد. اما، در عین حال ایجاد سرپناهی برای بیش از یک میلیون گرد عراقی یک اقدام بشردوستانه است. ولی اقدام واشنگتن هیچ قربانی با این بشردوستی ندارد و یک عمل سیاسی برای بهره برداری به نفع حفظ "وجه" بوش در جامعه، حداقل، تا انتخابات آینده است. مفسران سیاسی به حق پرسش های بسیاری در این رابط مطرح می کنند: محوطه اسکان کردها تا چه زمانی می تواند وجود داشته باشد اصولاً چگونه می توان صدها هزار انسان را در

وهله نخست شیعیان عراق تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران و نیز گردهای آن کشور قیام کردند. اما، چند صباحی نگذشته تانک ها و توپ ها و موشک ها و هواپیماها و هلیکوپترهای توپ دار گارد ریاست جمهوری عراق که به ادعای شوارتسکف نابوده شده بودند به صدا درآمدند و هزاران نفر دیگر را به قربانیان جنگ افزودند. صدها هزار زن و مرد و کودک از شهرهای گردنشین به کوه ها پناهنده شدند. آقای بوش کوچکترین عکس العملی از خود نشان نداد.

روز ۱۷ آوریل، خبرگزاری های جهان، ناگهان خبر مربوط به سیاست جدید کاخ سفید درباره فراریان گرد را منتشر کردند. تا ۱۵ آوریل، بوش مرتباً می گفت که، ایالات متحده آمریکا حاضر نیست در امور داخلی عراق دخالت کرده و با شرکت در جنگ داخلی عراق جان سربازان آمریکایی را به خطر اندازد.

اما، تصاویر تاثیرانگیز برنامه های تلویزیونی، تاثیر منفی در افکار عمومی آمریکا گذارد. بوش از ترس از دست دادن وجهه خود در انتخابات آینده، تغییر سیاست را ضروری دانست. وی، ۱۷ آوریل در یک مصاحبه

رفیق "سید حسین صدیق یحوی" درگذشت

نامه رسیده

امروز در یکی از مساجد تهران همه آمده بودند و من حزب سیدموی توده ایران را زیر سقف یکی از مساجد به عینه دیدم. اعضا و سرایان دپروز حزب، سیدمویهای امروز به ردیف نشسته بودند. بین آنان قلم بدستان آشنا در جامه میهن ما کم نبودند. صحن مسجد بیشتر به کنفرانس شباهت داشت تا مجلس ترجمیم. همه صاحب نظر بودند و به آرامی درباره مسائل اجتماعی، روز و جهان و حوادث کشورهای شرق و غرب صحبت می کردند.

در بالا نوشتم که ترکیب شرکت کنندگان نشانی از محبوبیت رفیق بود، که چشم از جهان فرو بسته و دیگر در میان شان نبود. آری در بین حضار بودند کسانی که با خط مشی حزب مخالفت علنی می کردند، بودند افرادی که روحیه انضالی داشتند، و بالاخره فراوان بودند کسانی که هنوز به حزب امید بسته اند. اگر چه ارتباطی با حزب ندارند. از حرف هایشان پیدا بود، از بحثی که می کردند، پیدا بود. زندانیان آزاد شده ای که هنوز جای شلاق های دشمن بر بدنشان باقی بود، و آثار اقامت طولانی در زندان در جای - جای بدن شان پیدا بود، حضور یافته بودند. اینها همه نشانه زنده بودن "حزب توده ایران" است که همه آمده بودند تا همزیم دپروزشان را بدرقه کنند و معنای دیگر آن می تواند این باشد که همه آمده بودند، تا عهد و پیوندشان را با راه گذشته شان تجدید کنند.

نقل می کنند، که بعد از آزادی از زندان، در کارخانه "جنرال استیل" مسئولیت مالی را به عهده داشته و از صداقت در امور مالی زیانزد همه بود.

یادش گرامی باد!

و نزدیک و منطقه خلیج فارس است. وضع در منطقه علیرغم مقاومت رژیم های فاسد، تغییر خواهد کرد. در این باره جای تردیدی نیست. نیروهای اپوزیسیون هر کشوری باید در این مبارزه روی امکانات خود حساب کنند. برای خاتمه پیروزمندانه مبارزه خلقی ما در راه دمکراسی، افشای سیاست ماکیاویستی امپریالیسم نقش تعیین کننده دارد.

رقا باورکنید حزب هرگز "می میرد"، اگر هزار بار وجودش را زیر ضربات خردکننده بگیرند باز هم زنده می ماند و بر حیات خود ادامه می دهد. تجربه ۵۰ سال حیات حزب شاهد بر این مدعی است. دو رژیم جبار به ستیز با حزب پرداختند، و هر دو در رسانه های تبلیغاتی شان با کوس و کرنا ندا در دادند که "حزب توده ایران دیگر وجود خارجی ندارد. عده ای ساده لوح باورشان شد که راستی "حزب توده ایران مرد که مرد".

ولی من امروز جمعه... در مرگ یکی از سرایان حزب، در مرگ یکی از سرداران حزب، در مرگ یکی از باورمندان حزب شاهد زنده بودن حزب بودم. او، یکی از اعضای سازمان افسری حزب بود. در زمان اسارت فرمانده تپه مرغه بود. با درجه سرهنگی، در روزهایی که حزب بعد از انقلاب فعالیت علنی داشت، او شاهد ورود بی بندوبار مراجعین به دفتر حزب بود، نزد دبیر اول حزب می رود و می گوید "اینطور نمی شود، بی بند و بار هر کسی دلش خواست بیاید بالا، با این شیوه، جان شما و دیگر رزمندگان حزب در خطر است. و تضمینی هم ندارد". پیشنهاد می کند حاضر است به آن نظم و ترتیب بدهد که با موافقت رفیق دبیر اول، این کار انجام می گیرد و مدتها بر کنترل ورود به دفتر نظارت می کند....

سراجام دو روز پیش قلب رئوف و مهربان و امیدوارش از تپش باز ایستاد، و دوستانش را ماتم زده کرد. بین همه یاران دیرین و هر که او را می شناخت محبوبیت خاصی داشت، همه او را دوست داشتند. شاهد مدعی ترکیب شرکت کنندگان در مراسم ترجمیم او بود.

شرایط غیربهداشتی نگاه داشت؟ آینده این انسان ها چگونه خواهد بود؟

جالب است که بوش بازم برون رفت را در سرنگون کردن رژیم عراق می داند. این بار چه کسانی باید فرمان واشنگتن را به موقع اجرا بگذارند. آیا آزموه را آزموه خطا نیست؟

آنچه مربوط به دخالت در امور داخلی دیگر کشورهاست، مثل اینکه واشنگتن در این باره ناراحت نیست. اگر برای جلب رای در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، دخالت در امور داخلی عراق در عرف سیاسی امپریالیسم جایز است، به چه علت این اصل نباید در مورد دیگر کشورها به موقع اجرا گذارده نشود. منطق پلیس بین المللی مانعی در گسترش چارچوب این سیاست نمی بیند.

"تئوری" جدید استقلال و جمهوری اسلامی

برخی از سیاستمداران غرب "تئوری" جدیدی را مطرح می کنند. اگر کشتار جمعی انسانها در کشوری آغاز شود، مسئله استقلال، ارزش خود را از دست می دهد. با این نظریه قسط زمانی می توان موافقت کرد که تنها شامل دیکتاتور عراق نباشد و جنبه عام پیدا کند.

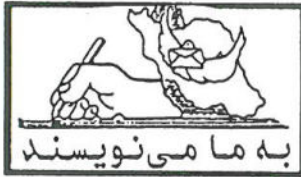
متأسفانه سیاستمداران کشورهای رشدیافته صنعتی سفسطه می کنند. برای آنها هومانیم به از منافسه با درجه دوم اهمیت را دارد. مگر آمریکا و انگلستان و فرانسه و متحدان آنها نمی دانند که در اکثر کشورهای منطقه زیر حمایت آنها، کشتار جمعی دگراندیشان یک سنت عادی شده است؟ مگر دولت مردان این کشورها که اشک تمساح برای مردم کرد عراق می ریزند، از کشتار جمعی کردهای ایرانی و ترک و سوری بی خبرند؟ مگر کشتار جمعی انسانها در زندان های جمهوری اسلامی نقض آشکار حقوق بشر نیست؟ چرا انسان دوستان و دمکرات های غرب و شرق سکوت اختیار کرده اند؟

ما، از هر اقدامی برای نجات جان برادران کرد عراقی، سرفتنر از اهداف سوء این یا آن دولت دفاع کرده و خواهیم کرد. ولی این نباید ما را از واقعیت دور کند. هم اکنون بیش از ۲ میلیون ایرانی برای نجات از چنگال خونین رژیم "ولایت فقیه" در جهان پراکنده اند و اکثراً در شرایط سخت، زندگی تلخی دارند. چرا رسانه های گروهی کشورهای دمکرات و سیاستمداران رنگارنگ آنها از سوسیال دمکراتها و لیبرالها گرفته تا محافظه کاران نه تنها درباره سرنوشت ۲ میلیون انسان سخنی بر زبان جاری نمی سازند، بلکه برای نزدیکی به جلاخان جمهوری اسلامی ایران مسابقه گذارده اند؟ ارتش آمریکا و متحدانش کویت را آزاد کردند و خانواده صباح را باردیگر بر اریکه فرمانروایی نشاندند. از وعده دمکراتیزه کردن از بالا در منطقه خبری نیست. و اصولاً چگونه می توان مثلاً با دست خانواده آل سعود، در

عربستان سعودی آزادی و دمکراسی را رایج کرد. در سوریه و جمهوری اسلامی ایران و مصر و شیخ نشین های عربی خلیج فارس هم، ترور و اختناق حکمفرماست. در سراسر منطقه سرنیزه حکومت می کند. اسرائیل به کشتار فلسطینی ها ادامه می دهد. اینکه وعده واشنگتن درباره حل مسئله فلسطین عملی شود، تصور باطلی است. اما، هیچ یک از اینها مانع تدارک جشن بزرگ پیروزی در نیویورک نیست. و این درسی آموزنده برای همه مبارزان درخاورمیانه

در مشهد

در مشهد باندهای گوناگونی زندگی را برای ساکنان شهر تلخ کرده اند. افراد این باندها، زنان و دختران را که از ساعت ۷ الی ۸ بعد از ظهر در خیابان ها دیده می شوند، دزدیده و پس از تجاوز، مهری به بدن آنها زده و رها می کنند.



در فارس

معاون دادستان استان فارس، در سرکوب و اذیت و آزار مردم آنچنان پیش رفته که مردم با جمع آوری طومار خواهان برکناری وی هستند.

در تهران

چندی پیش ماموران شهرداری به همراه قریب ۵۰۰ نفر پلیس شهرستانی تحت فرماندهی یک سرهنگ، منازل "غیرمجاز" خادم آباد شهریار را تخریب کردند. می گویند رویاروی کردن مردم با مامورین شهرستانی و دورنگهداشتن سپاه پاسداران که قبلا این گونه سرکوبی به وی واگذار می شد، هدفش متفور ساختن ماموران شهرستانی و حفظ "آبروی" سپاه است.

در سمنان

به علت کمبود آب در سمنان، مردم اعتراض کرده و با مسدود کردن رژیم درگیر می شوند. ابعاد درگیری به حدی بوده که ورود و خروج به شهر ممنوع شده بود.

کرده بود، با صدور حکم، حاکم شرع زاهدان قطع کردند.

مردم می گویند این سارق نکوینت، هرچهار انگشت خود را در رابطه با سرقتی که ارزش آن بسیار ناچیز بوده از دست داده است. در صورتی که غارتگران مورد حمایت رژیم میلیونها تومان در یک اختلاس می دزدند و سودهای بادآورده به جیب می زنند و آب از آب تکان نمی خورد.

در رشت

* در شهرستان رشت، جوان دیپلمه بیکاری به نام "حمیدکارجو"، بعد از مدتی دوندگی بدین علت که موفق به پیدا کردن کار نمی شود، در اثر عدم تحمل فشار و فقر و تنگدستی خودکشی می کند.

* زن ۳۰ ساله ای، همسر کارگری در رشت، در اثر ایثلا به بیماری خون می میرد. بنابراین تشخیص پزشکان، مرض وی در نتیجه سوءتغذیه بوده و می بایست تحت معالجه و مداوای دائم قرار می گرفت. ولی زن و شوهر امکان مالی برای چنین معالجه ای را نداشتند.

افراد و آشناپان وهمسایگان، رژیم را مسئول درگذشت این زن جوان می دانند. این ققط یک نمونه از دهها هزار حادثه مشابه در سراسر کشور است.

در زاهدان

* در دیماه سال گذشته به حکم حاکم شرع زاهدان زنی به جرم "زنا" در انظار عمومی سنکسار شد. این اقدام رژیم در مورد زنی به اجرا درآمد که شوهرش معتاد بود و او برای تامین مخارج سنگین زندگی خود و چهار فرزندش چاره ای جز خودفروشی نداشت. تعجب آور نیست که عمل پالنفسه ناپسند زن، مردمی را که به ماجرای زندگی او آشنا بودند، به خشم آورد. آنها، این جنایت شنیع رژیم را محکوم کردند. حق با کیست؟

* چهارمین انگشت سارقی را ققط برای آنکه جهت سیرکردن شکم خود بناچار اقدام به دزدی

این نامه را یکی از خوانندگان نامه مردم برای ما نوشته و خواهش درج آن را کرده است و ما خواست وی را برآورده می کنیم.

از زندگی زحمتکشان

در یکی از روزهای دیماه مقابل یکی از بیمارستان ها منتظر خصمی بودم. مردی روستایی را که به روی دوش حمل می شد مقابل درب ورودی بیمارستان به روی زمین خوابانده بودند. صورتش کاملا پریده و در بدنش جز پوست و استخوان چیزی به چشم نمی خورد. از شدت سرما می لرزید. از ظاهر دختر و پسر همراه وی معلوم بود که آهی در بساط ندارد. از پرسش که وی را حمل کرده بود، پرسیدم چه مرضی دارد؟ وی گفت: نرمی استخوان. وی ادامه داد با هزار بدبختی از لرستان خودمان را به اینجا رسانده ام، کرایه رفت و برگشت را به سختی تهیه کرده ام. هر بیمارستانی رفته ام جوابان کرده اند. نمی دانم چه کار باید بکنیم.

خصمی از بیمارستان خارج شد و از آنها خواست تا همراهش به بیمارستان دیگری بروند که تا شاید کاری برایشان انجام دهد. مرد نکوینت را در حالی که پسرش قصد داشت او را به روی دوش بردارد، از زمین بلند کردند. چهره زجرکشیده و ناامید وی، انسان را سخت متأثر می کرد.

در همین حال مرد میان سالی که قیافه زجرکشیده ها را داشت، به من نزدیک شد و گفت: "ببینید این آخوند ها چه بلائی برسرمردم آورده اند، عده بسیار کمی نمی دانند میلیاردها تومان اندوخته خود را چگونه خرج کنند و اکثر مردم باید در چنین فقری با مرگ دست و پنجه نرم کنند. اگر پول داری حتما زنده می مانی، در غیراین صورت باید بمیری. آقا، هرچه از شقاوت این آخوندها بگویم بازهم کم است. اینها خیلی بی رحم اند." وی سپس درد دلش را بیشتر باز کرد و ادامه داد:

"تا چند ماه پیش در یک سوپرمارکت میوه فروشی شاگردی می کردم. صحنه های دقراقی را شاهد بودم. روزی زن حامله رنگ پریده و لاغراندازی با حالت خجل وارد مغازه شد. قیمت نارنگی را سوال کرد. گفتم ۲۵ تومان. زن از من خواست تا ۵ تومان سیب زمینی، ۵ تومان سبزی و تعدادی نارنگی

برایش وزن کنم. صاحب مغازه با عصبانیت گفت، کمتر از یک کیلو نمی توانیم به فروشیم. در همین حین یکی از دوستانش وارد مغازه شد و وی با او سرگرم صحبت شد. من از فرصت استفاده کردم و خواسته های زن را برآورده ساختم. وقتی دیدم چشم های زن به لیموشیرین ها دوخته شده، به دور از چشم صاحب مغازه، چند تا از آنها را زیر سبزی های سبذش قایم کردم. وقتی خواست حساب کنم دیدم حتی پول آنهایی را که خریده است ندارد بدهد. مبلنی از وی گرفتم. قرار شد که باقیمانده را بعدا بدهد.

روز بعد همان زن جلوی مغازه آمد و صدایم کرد و گفت: آقا با لیموشیرین ها ما را شرمند کردهید. باورکنید من و شوهرم تا به حال شراقتمندانه زندگی کرده ام. شوهرم کارگر است و ماهی ۵ هزارتومان درآمد دارد. از این پول ۲۵۰۰ تومان کرایه منزل می دهیم. چگونه می توان شکم ۵ نفر را با ۱۵۰۰ تومان باقیمانده حتی با نان خالی سیر کرد؟

تا چند روز قیافه آن زن در جلوی چشمم بود و عذاب می کشیدم و به آخوندها و... فحش و ناسزا می گفتم."

آری، دوستان، تعجب نکنید، مردم دیگر از هیچ کس ترسی ندارند. به هرجا بروید این گونه درددل ها را خواهید شنید و حتما باید حوصله شنیدن آنها را داشته باشید. من از این داستان های غم انگیز زندگی بسیار شنیده ام.

همین چند روز پیش خواربارفروشی در جنوب تهران که باهم آشنایی دارم تعریف می کرد: "هر روز پسرچه ای با کاسه ای در دست، قبل از تعطیلی مغازه می آید و آب اضافی پنیرها را از من می گیرد. کنجکاو شدم که او اینها را چگونه مصرف می کند. روزی از او خواستم بگوید که این همه آب پنیر را چه کار می کنند. او نخواست جوابی بدهد. بالاخره در مقابل اصرار من و اینکه اگر جواب ندهی دیگر از آب پنیر خبری نخواهد بود. او گفت که با نان تلیت می کنیم و می خوریم."

روزی سرزده به خانه شان که اتاقی محقر بود، رفتم. مادر پسرک به همراه چهار فرزندش دور سفره ای جمع شده و تلیت آب پنیر را به عنوان شام می خوردند. از ناراحتی طاقت نیاوردم و گریه را سر دادم."

آقای رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگار مجله آلمانی "اشپیکل" سفسطه را جایگزین حقیقت کرد. خبرنگار، پس از یادآوری اینکه سازمان ضوین المللی، جمهوری اسلامی ایران را در ردیف کشورهای آورده که بیشترین تجاوز به حقوق بشر را مرتکب شده است، پرسید: "چرا در ایران این همه انسان به نام خدا اعدام می شوند؟".

رئیس جمهور رژیم مانند همیشه برای پاسخ به خبرنگار به شیوه ناپسند تحریف واقعیات دست زد و گفت: "قطر تروریست هایی که آدم کشته اند، اعدام می شوند. هیچ کس به سبب فعالیت سیاسی یا اعتقادات خود اعدام نمی شود".

آقای رفسنجانی دروغ می گوید. منظور ما به هیچ وجه توهمین به رئیس جمهور رژیم نیست. واژه دروغ در زبان فارسی معنای مین و مشخصی دارد و نمی توان آن را با هیچ واژه دیگری عوض کرد. ما به فرهنگ صید مراجعه کردیم. در آنجا گفته می شود، دروغ یعنی سخن ناراست، گفتاری که حقیقت نداشته باشد، ضد راست. آقای رفسنجانی بهتر می داند که در "درس اخلاق خانگی"، پدران و مادران برای اینکه فرزندان دروغگو و دروغ پرداز تربیت نکنند، جا و بی جا یادآور می شوند و می گویند: دروغگو دشمن خداست.

اگر از ده ها هزار خانوار ایرانی که فرزندان و یگانه نان آورشان یا در فراموشخانه ما در انتظار تمین تکلیف اند، یا سر به نیست شده اند و یا جلای وطن کرده اند به پرسید رفسنجانی را که کشتار دگراندیشان به دست جلادان ج.ا. را نمی می کند چگونه ارزیابی می کنید، پاسخ شان همان خواهد بود که ما یادآور شدیم، دروغگو، دروغ پرداز، دروغزن و دشمن خدا.

آیا صدها انسان بی گناه که روز فاجعه ملی، مخفیانه به دست جوخه های اعدام سپرده شدند، تروریست بودند؟ تروریست افرادی مانند خمینی، خاتمی ای و رفسنجانی هستند که با امضای حکم اعدام زندانیان سیاسی، تروریسم را به سطح دولتی ارتقاء داده اند. در تاریخ معاصر ایران چنین کشتار جمعی انسانها بی سابقه بوده است.

تبعیت رفسنجانی و یاران روحانی اش از اصل "هدف توجیه کننده وسیله است" مشهور به ماکیاولیسم، حیرت آور و تصادفی نیست. آنها برای ادامه حاکمیت خونین خویش چاره ای جز توسل به ترور و اختناق و دروغ نداشتند.

دروغ و فریب و نیرنگ

فلاحیان وزیر اطلاعات هم در گفتگو با "کیهان" از همان شیوه استفاده می کند و درباره حقوق بشر می گوید: "سازمان های به اصطلاح حقوق بشر مدام درباره نقض حقوق بشر در ایران اعلامیه می دهند و علیه ما تبلیغات سوء دارند، در حالی که با بازدید و گزارش نماینده سازمان ملل از وضعیت زندانیان در ایران مشخص شد که همه تبلیغات غربی ها و گروهک ها علیه ایران دروغ بوده است".

به کدام بخش از گفته های وزیر دروغ پرداز باید باور کرد، به اینکه سازمان حقوق بشر علیه ج.ا. تبلیغات سوء می کند و یا به اینکه از گزارش همان سازمان "مشخص شد که همه تبلیغات غربی ها و گروهک ها" درباره نقض حقوق بشر در ایران دروغ بوده است؟

تناقض در گفتار آن هم این چنین ناشیانه !! آقای فلاحیان با این اظهارات خود هم به اصالت مثل معروف دروغگو کم حافظه است، صحنه می گذارد و هم ثابت کرد که رهبران جمهوری اسلامی ایران در عین حال دروغ و فریب و نیرنگ را به کار می برند.

بمتوان یک نمونه دیگر به این اظهارات یزدی رئیس قوه قضائیه و امام جمعه موقت تهران در نماز جمعه وقت کنید: "ما میثاق حقوق بشر را قبول داریم ولی جهان اسلام بعضی از موارد آن را صحیح نمی داند و به همین دلیل حقوق بشر اسلامی تنظیم شده و در کنفرانس های متعددی به نتیجه رسیده است" وی سپس افزود: "قسمت هایی از حقوق بشر جهان اسلام مبتنی برخدابینی است و اگر موارد اشتباهی در حقوق بشر که مبتنی بر جهان ماده و مادیات است باشد جهان اسلام حاضر نیست که احکام اسلام را کنار بگذارد".

رئیس قوه قضایی و امام جمعه موقت تهران، دروغ می گوید. در هیچ کنفرانسی حقوق بشر اسلامی به تصویب نرسیده، به این دلیل ساده که چنین منشوری وجود خارجی ندارد. وانگهی همه کشورهای به اصطلاح اسلامی و از جمله ایران اعلامیه حقوق بشر مصوب سازمان ملل را امضا کرده و متعهد به اجرای مفاد آن شده اند. سرپای

این اعلامیه "برجهان ماده و مادیات" استوار است. و در غیر این صورت نمی توانست بازتاب حقوق بشر باشد. به گفته یزدی در هیچ کشوری قضاوت قاضی مانند ج.ا. عادلانه و منطقی نیست. بازهم دروغ. مثلاً، وی ضمن بحث پیرامون وظیفه قاضی از جمله گفت: "...برخوردها باید به گونه ای انجام گیرد که نزدیک ترین دوستان طمع نکنند که از راه دوستی می توانند سوءاستفاده ای داشته و از این راه به سودی برسند..."

محاکمه رئیس بنیاد نبوت و احکام دوگانه صادره درباره وی شاهد گویای سفسطه رئیس قوه قضایی رژیم است. برای اینکه سخن مستند گفته باشیم، بخشی از مقاله زیرعنوان "از اعدام تا ۲ سال حبس تمیزی" مندرج در روزنامه "کیهان" را به نظر خوانندگان می رسانیم.

نویسنده مقاله تحریف حکم اعدام سرپرست بنیاد نبوت را به دوسال حبس تمیزی مورد بررسی قرار داده و می نویسد: "آیا تفسیر شرایط اجتمایی و قضای حاکم بر دادگاه قادر است چنین تمیزی را ایجاد کند؟ جای تذکر است که اگر حکم اعدام به حبس ابد تبدیل می شد یا به عکس و یا موارد مشابه با اختلاف اندک جای تعجب نداشت و بلکه طبیعی می نمود. اما چگونه انسان می تواند خود را قانع سازد که حکم اعدام تبدیل به دوسال حبس تمیزی شود؟... چگونه می توان قبول کرد که در دو محاکمه اسلامی این چنین، متفاوت رای صادر شود".

آیا بازهم رفسنجانی و یزدی و... می توانند مدعی مراعات عدالت اسلامی در دادگاه های شرع باشند؟ ما هم با این نظر "کیهان" موافقم که می نویسد: "سوال اصلی این است که اگر حکم اخیر در خصوص نامبرده مطابق با احکام الهی باشد، قطعا حکم های صادره قبلی از حقیقت بسیار فاصله داشته و مغایر عدالت قضایی که اهم مصادیق عدالت اجتماعی است بوده است".

احکام صادره درباره اعدام صدها زندانی سیاسی بی گناه در رده اینگونه احکام بوده و با حقیقت بسیار فاصله داشته است. صادرکنندگان این احکام، صرفنظر از خواست آقای رفسنجانی، باید پشت میز دادگاه خلق پاسخ گوی جنایات خود باشند. با سفسطه و دروغ نمی توان حقایق تلخ جامعه ایران را از افکار عمومی پنهان ساخت.

کرده اند. زحمتکشان و به ویژه کارگران پیشرو نیز باید آن را سرمشق زندگی و مبارزه روزانه خویش قرار دهند. تلاش حکام کنونی برای ممانعت از گردهمایی زحمتکشان در سندیکاها و اتحادیه ها رهام باید از زاویه ترس رژیم از اتحاد و تشکل توده ها مورد بررسی قرار داد. در این مورد نقش کارگران آگاه درموسسات اهمیت زیادی کسب می کند. باید باهمه توان در راه انسجام زحمتکشان کوشید و در صف واحدی به پیکار در راه احقاق حقوق خود ادامه داد.

حزب توده ایران امروز هم مانند دیروز در صف مقدم مبارزه زحمتکشان خواهد ماند. ما، اول ماه مه روز رزم و همبستگی کارگران را به همه زحمتکشان سمیانه تبریک می گوئیم.

پیش به سوی مبارزه متحد و مشترک!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۷۰/۲/۹

اعلامیه کمیته ...

و خانواده های آنهاست. دخترچه های بیمه فاقد ارزش شده اند. اکثر پزشکان از پذیرش کارگران بیمار سر باز می زنند. میلیونها زحمتکش از بیمه های اجتماعی محرومند.

زحمتکشان روستاها در شرایط وحشتزایی بسر می برند. ورشکست تولید کشاورزی و تکیه رژیم بر واردات محصولات غذایی، صدها هزار روستایی را به گرسنگی، یعنی مرگ تدریجی محکوم کرده است. مهاجرت روستائیان بیکار به شهرها شدت یافته و "جمعیت" جدید حاشیه نشین ها را در حواشی شهرهای بزرگ بوجود آورده است. این انسان ها از ابتدایی ترین لوازم یک زندگی عادی محرومند.

قمر و گرسنگی در جامعه چنان گسترش یافته، که حکام جمهوری اسلامی ایران، پس از ۱۲ سال تازه برای تمین ابعاد قمر و وقوف برشیوه های فقرزدایی مجالس بحث و سمینار تشکیل می دهند،

انکار علل و زاییده قمر برای آنان روشن نیست.

مجموعه آنچه برشمردم عوامل عمده ایجاد بیماری های اجتماعی و جسمی و روانی در جامعه ماست. مقصر اصلی نگرشها، نهادهای سیاسی و مسئولان امور هستند که روینای سیاسی جامعه ما را تشکیل می دهند. مامیت و مضمون سیاست این روینا عمیقاً ارجحی و ضد خلقی است. در محدوده این سیاست جایی برای اکثریت ساکنان جامعه، نیروهای مولد و تولیدکنندگان نم مادی وجود ندارد. جای شکستی نیست که شکاف میان مردم و رژیم با گذشت زمان ژرف تر شده و امروز به رویکردانی توده های میلیونی از آنچه رژیم "ولایت قییه" نامیده می شود، منجر گردیده است.

پی آمدهای مخرب این روند، حکام جمهوری اسلامی ایران را به وحشت انداخته است. آنها به قدرت انفجار و خشم و نفرت توده های زحمتکش به خوبی واقفند. اعتصاب عمومی کارگران و زحمتکشان در جریان مبارزات انقلابی سال های ۵۷ تجربه آموزنده ای است. سران رژیم آن را آویزه گوش

رئیس جمهور شوروی در ژاپن



اتحادشوروی ونخست وزیر ژاپن راه حل میانه ای در این باره پیدا شده است.

پس از پایان جنگ جهانی دوم اولین بار رهبر شوروی از ژاپن دیدن کرد. میخائیل گارباچف به هنگام سخنرانی در پارلمان ژاپن که مورد استقبال قرار گرفت، ایجاد یک سیستم امنیت بین المللی برای آسیا را مطرح ساخت. در این سیستم اتحادشوروی، ژاپن، چین، هندوستان و ایالات متحده آمریکا باید شرکت داشته باشند. به گفته گارباچف وضع در آسیا همانند اروپا نیست و نمی توان کنفرانس برای امنیت و همکاری متقابل در اروپا را به عنوان نمونه برای آسیا انتخاب کرد. ژاپن و اتحادشوروی به عنوان دو همسایه می توانند نقش مثبتی در آسیا ایفا کنند. اما، اختلاف میان این دو کشور بر سر جزایر کوریل تا کنون مانع همکاری آنها شده است. به نظر می رسد در ملاقات اخیر رئیس جمهور

محکوم می کنیم!

استفاده از شیوه غیرانسانی و مطرود ترور در مبارزه سیاسی نشانه ضعف و فقدان منطق است. ما این عمل وحشیانه را شدیداً محکوم می کنیم و به نهضت مقاومت ملی و بازماندگان آقای دکتر برومند تسلیت می گوئیم.

چند روز پیش دکتر عبدالرحمن برومند مشاور سیاسی دکتر شاهپور بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی هنگامی که روانه خانه خود بود از جانب فردناشناسی مورد حمله قرار گرفت و با پنج ضربه کارد به هلاکت رسید.

آزادی فوری دستگیر شدگان را خواهانیم!

روزنامه های جمهوری اسلامی خبر دستگیری ۹ تن از اعضای سازمان چریک های فدائی خلق در ترکیه را از جانب ارگان های سرکوبگر آن کشور منتشر کرده اند. مقامات امنیتی ترکیه با این اقدام ضد انسانی خود در مورد دگراندیشان مورد تعقیب در ایران، باردیگر چهره ضد دموکراتیک خود را در برابر افکار عمومی آشکار ساختند. ما، با اعتراض به این اقدام ناقض حقوق بشر، آزادی فوری دستگیرشدگان را خواهانیم.

جنگ در منطقه و بهای نفت

سازمان اوپک دچار بحران بیسابقه ای است. جنگ در منطقه می رود تا موضع اوپک را در تعیین بهای نفت تضعیف کند. اقتادن سرنوشت بهای نفت به دست عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا از نتایج پایان جنگ به شمار می رود. دبیرکل کنونی اوپک آقای صادق یوسن، وزیر صنایع الجزایر در مصاحبه ای با روزنامه "المجاهد"، به وجود بحران بیسابقه در اوپک اذعان کرد.

۵ کشور از ۱۲ کشور عضو اوپک در جنگ منطقه دوشادوش واشنگتن قرار گرفتند. در اجلاسیه اوپک در فوریه سال جاری که در وین تشکیل شد، فقط ۶ کشور عضو شرکت کردند. همه آنها بر این عقیده بودند که اوپک یک سازمان اقتصادی است و باید برون از مجادله سیاسی خلیج فارس باقی بماند. اما، این قسط یک آرزوی تخیلی بیش نیست. عکس العمل بازارنفت در مجادله سیاسی خلیج فارس بر احدی پوشیده نیست. اگر در آغاز بحران خلیج فارس بهای نفت، بدون هیچ علتی، به ۴۰ دلار در هر بشکه افزایش یافت، به هنگام آغاز جنگ بهای آن به ۱۷/۴ دلار در هر بشکه تنزل کرد. چرا؟ برای اینکه کشورهای صنعتی برای جلوگیری از بالا رفتن بهای نفت ذخایر استراتژیک خود را به بازار عرضه کردند.

به نظر وزیر صنایع الجزایر، مسئولیت بی ثباتی بهای نفت متوجه آژانس بین المللی انرژی است. این سازمان بود که بازکردن در انبارهای نفت ذخایر استراتژیک را مصلحت دید. اما، امروز برخی از کارکنان آن اعتراف می کنند که به علت عدم تعادل در عرضه و تقاضای نفت در بازار جهانی، نیازی به این کار نبود. عربستان سعودی با کمک واشنگتن با سرعت استخراج نفت را افزایش داد و میزان آن را به ۸ میلیون بشکه در روز رساند.

به نظر کشورهای عضو اوپک تثبیت بهای نفت در ۲۱ دلار برای هر بشکه به سود هم صادرکنندگان و هم خریداران نفت است. اما، در حال حاضر بهای نفت خیلی پایین تر از این مبلغ است و این روند، اقتصاد اکثر کشورهای عضو اوپک را با دشواری های زیادی روبرو ساخته است. باوجود خسارت وارده به صنایع نفت کویت و عراق وعدم امکان صدور نفت از این کشورها، هیچ گونه کمبود نفت در بازار جهانی به چشم نمی خورد. خیلی از کشورها با استفاده از فرصت، استخراج نفت را به مقدار زیادی افزایش داده اند. بهای نفت وابسته به عوامل متعددی است.

۱- تلاش کشورهای عضو اوپک با توجه به منافع خودی برای فروش هرچه بیشتر نفت؛

۲- سیاست آژانس بین المللی انرژی پیرامون ادامه فروش و یا خودداری از فروش ذخایر عظیم استراتژیک؛

۳- افزایش نیازهای مالی کشورهای نفت خیز خلیج فارس پس از جنگ. البته سیاست آمریکا در زمینه قیمت نفت نیز تاثیر فوق العاده ای دارد.

آیا اوپک خواهد توانست در آینده نیز نقش عامل تثبیت کننده قیمت نفت را ایفا کند؟ در صورت ادامه همکاری واشنگتن - ریاض، بعید به نظر می رسد که اوپک بتواند از سقوط بهای نفت جلوگیری کند.

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 348

April 30 1991

نامه مردم

بها: ۲۰ ریال

ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden

2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich